

متن پرسش

سلام استاد عزیز خدا میاد یه رخی نشون میده و یه آرامشی به قلب ما میده که از هیچ کس و هیچ چیز غصه ای نداریم و برامون مهم نیست، می‌گیم خدا را عشقه ،بعد یهوول میکنه میره،اول اینکه این رفتن تقصیر ماست؟ و کاری کردیم که این آرامشه یهونا پدید میشه؟ یا نه سنت خدا این شکلیه؟ و حالا که رفته برای منی که غرق گناه هستم خیلی سخته،حالا قدرت حذبه و بودن خدا در وجودم و قلبم نیست و لذت گناهان گذشته هم پر قدرت میان تو صحنه! چیکار باید بکنم؟ این آزمایش خداست؟ چرا اینقدر سخته پس؟ من الان چشمام پر اشک هستن و همیشه میدونم قراره چه بلایی سرم بیاد و به خدا هم میگم که بابا من ضعیفم و هوای ما ضعیفا را داشتت باش،اما.... به هود خدا قسم من متنفرم مممم از رقتن از حریم خدا! ولی ضعیفم زورم نمیره چه کنم خب؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرایضی اخیراً تحت عنوان «معنی خوف و رجاء» شده است. امید است مفید افتد. <https://eitaa.com/matalebevijeh/18285>. موفق باشید